

## فداکاری زن

✿ شخصیت چگونه بوجود میآید ؟

✿ يك مشکل اجتماعی یا انحراف مرد !!

✿ عکس العمل زن در برابر شوهر گمراه .

شخصیت چگونه بوجود میآید ؟

راه زندگی هموار نیست ، بستی و بلندی در آن فراوان است ، چشمه که آب زندگی از آن می جوشد ، گاهی شیرین و گاهی تلخ است ، صحنه زندگی چون اقیانوس بزرگی است که زمانی آرام و گاهی طوفانی و متلاطم است .

گاهی از اوقات که سختی ها با حمله و همیشه ، و مادر آستانه حوادث تلخ و ناگواری واقع میگرددیم ؛ لحظه بگردناری و ابتلاء خود نگریسته ، در همان موقع راحتی و آسایش دیگران نظر ما را جلب میکنند .

اولین نتیجه که از این مقایسه قهری عاید فکر و مغز ما میشود ، اینست که اصولاً بدبختی و بیچارگی برای ناراحتی روح و تشنج اعصاب ما آفریده شده ، و این ماهستیم که میباید در تمام دوران زندگی با مشکلات روبرو بوده ، تا آخر عمر بایست بسوزیم و بسازیم . در حالی که عده سعادت مند و خوشبخت از مادر متولد شده ؛ هرگز غبار غم و اندوه بچهره زندگی آنان نمی نشیند .

و حال آنکه اندک مطالعه درباره زندگی دنیوی ، این حقیقت را بر ما روشن میسازد ، که نقاش هستی وقتی زندگی دنیا را ترسیم میکرد ، نیم از چهره او را در تاریکی و نیم دیگر آنرا در روشنی قرارداد ؛ تاریکی ها نشانه گرفتاریها و شادمانی زندگی دنیا ، و

روشنی‌ها امیدها و آرزوهای زندگی است .

وبهترین دلیل بر بی‌اساس بودن گمان ما این نکته است که هر کسی در برخورد با ناگواریها همین توهم را نموده ؛ خود را موجودی بدبخت و دیگران را افرادی خوشبخت تلقی مینماید .

از ذلك این واقعیت زندگی نکاتی چند بر ما روشن میگردد :

(۱) دنیا با کسی دشمنی و خصومتی ندارد ، گرفتاری و سختی لازمه زندگی دنیا میباشد ، تمام افراد انسانی که در خانه دنیا زندگی مینمایند ، هر يك بسهم خود بنوعی از گرفتاری‌ها مبتلی میباشند ، منتهی اختلافات زمان و مکان و نوع گرفتاریها سبب شده که یکی دیروز و دیگری امروز و هر يك بقسمی گرفتار باشد .

(۲) انسان وقتی می‌فهمد که شدائد زندگی با او اختصاص نداشته ، هر کسی لامحال روزی باید در برابر مشکلات زندگی قرار گیرد ، بجای ذبونی و حقارت در خود احساس نیرو و قوتی مینماید که حاضر است بچنگ و مبارزه ناملازمات رفته سعی کند در نبرد با آنها پیروز و غالب گردد .

(۳) اذ انضمام این دو نکته موضوع سومی آشکار میگردد و آن این نکته است که سعادت ارنی و ماددزائی نیست بلکه در گرفتاری و پشتکار میباشد هر که از ایندو بیشتر بهره‌مند باشد خوشبختی و سعادت نزدیک‌تر است و هر کسی تنبلی و سستی پیشه‌سازد در نبرد زندگی شکست خواهد خورد .

و بطور کلی میتوان نتیجه‌گیری کرد که شخصیت‌های افراد وابسته به نحوه فداکاریها و فعالیت‌هایی است که از خود آنان ظهور و بروز مینماید ؛ و همین کوشش‌ها و فعالیت‌های شبانه روزی‌ماست که شخصیت‌ها را بوجود می‌آورد .

**يك مشکل اجتماعی یا انحرافی مرد !**

بدون تعارف و رودربایسی باید اعتراف کرد که یکی از مشکلات زندگی اجتماعی ما گمراهی و انحراف برخی از مردان است ، عده‌ای از مردان اجتماع ، در اثر جهل و نادانی و بی‌ایمانی و فقدان رشد فکری از مدار انسانیت و اخلاق منحرف بوده‌بیمایشی و هوسبازی عمر خود را می‌گذرانند .

اینگونه افراد در هر شغل و مقامی که هستند با پولی که روزها بچنگ می‌آورند شب‌ها دنبال عیش و عشرت رفته و جز اشباع تمایلات سرکش حیوانی خود هدف و مقصدی ندارند و روشن‌ترین دلیل و شاهد بر این انحراف روحی مردان رونق و گرمی بازار کافه‌چی‌ها و

رقاصه خانه ها و کباب‌ها و هزاران مراکز فساد اخلاقی و روحی است که از همین گونه افراد مملو می‌باشد.

عده زیادی از این شبگردان کسانی هستند که در همان ساعاتی که از انسانیت بیرون رفته سر مست حرکات پست و حیوانی خود می‌باشند چشمان همسر و کودکان مصوم آنها در خانه بانتظار دیدار همسر و پدر مهربان باز بوده امیدوارند هم اکنون از راه رسید، آنان را در آغوش خواهد گرفت. اگر این امید و آرزو در اثر انحراف پدر بر آورده نمی‌گردد ولی پدر خیالی و وهمی در عالم خواب با یک دنیا نشاط و شادی از آنان پذیرائی منماید.

یکی از مشکلات اجتماعی ماضع ناراحت کننده و دلخراش زنان اینگونه مردان کمراه است، بدیهی است پس از گذشت زمانی همسران این گونه مردان از این بی‌اعتنائی و ولگردی شوهران خود بسته‌آ آمده در وضع خاص روحی قرار گرفته در صدد بر می‌آیند که در برابر رفتار زننده شوهران خود از خود عکس‌العملی نشان دهند.

عکس‌العملی که سر نوشت سعادت و شقاوت کانون خانوادگی در گرو نحوه و کیفیت آن می‌باشد، بحث مادر این شماره راجع به همین عکس‌العمل است ما می‌خواهیم با دقت فراوانی و انکشافاتی را مورد بررسی و دقت قرار دهیم، تا روشن گردد چه نوع عکس‌العملی می‌تواند از پاشیده شدن کانون خانوادگی جلوگیری کرده، زمینه توبه و بازگشت مرد منحرف را فراهم آورد.

### بحران‌ها چگونه تخفیف داده می‌شود؟

پیش از آنکه راجع باین عکس‌العمل ماسخنی گفته شود، باید دانست که پیوندهای زناشویی کنونی با ازدواج‌های گذشته فرق فاحشی نموده است؛ امروزه بنای ازدواج چندان دوام و استحکامی ندارد؛ شالوده آن در اثر اندک اختلافی از هم پاشیده می‌گردد و حال آنکه همه قبول دارند که وضع زناشویی در گذشته دوام و اعتبارش بیشتر بوده است. آنچه که مسلم است زندگی خانوادگی چه در دیر و زود چه از آزادی مشکلاتی بوده و هست و امتیازی که وضع زناشویی دیروز از امروز دارد همه در گرو نحوه مبارزه و برخورد با مشکلات خانوادگی می‌باشد.

در گذشته عکس‌العمل‌ها طوری بود که اساس زناشویی متزلزل نمی‌گردید ولی امروزه عکس‌العمل‌ها نوعاً طوری است که زمینه تلاشی شدن کانون خانوادگی را فراهم می‌آورد. و از همین جا می‌توان بگویم نتیجه گیری کرد که خانواده‌های خوشبخت چه در دیر و چه در امروز عبارت از آن خانواده‌هایی است که در موارد پیش آمده مشکلات و شدائد زندگی خانوادگی

تابع احساسات داغ نشده با انغاز روشهای عقلانی و احتیاطی بهر آن هارا تخفیف داده سعادت رفته را دوباره به پیک میآورند .

### عکس العمل زن در برابر شوهر گمراه .

۱ - گروهی از زنان وقتی در برابر چنین مردانی قرار میگیرند تابع احساسات تند و حاد خود شده تصمیم میگیرند از چنین مورد منحرفی انتقام بگیرند ، در تعقیب این فکر خطرناک مسائل خانهداری و تربیت کودک و پاکدامنی خرد و ناچیز شمرده شده ؛ بی بند و باری و آزادی مطلق جانشین آن میگردد .

و پس از گذشت زمانی خواهی نخواهی زن هم در همان راهی می افتد که شوهر او پیش از او آن راه را رفته بوده است . در مقاله پیشین گفته شد که مقداری از وبال این نوع انحراف - ها بعهده مردان ستمگر و عیاشی است که بدست خود در ویرانی خانه تقوای زن کمک و مساعدت نموده اند ، ولی با همه اینها باید زنان بیدار و هشیار باشند که این نوع عکس- العمل ها ، علاوه بر آنکه دردی را درمان نمیکند بلکه بر تعداد بیماران روحی می افزاید ، چه در اثر انغاز این روش غلط علاوه بر اینکه کانون خانوادگی از هم متلاشی میشود زیان- های جبران ناپذیر معنوی عاید خود زن خواهد شد .

۲ - عده دیگری از زنان در چنین موقعیتی بدون اینکه در نظر بیاورند که شوهر منحرفشان گرفتار یک نوع بیماری روحی است ، و هرگز نمیتوان با داد و بیداد بیمار روحی را معالجه کرد ، شروع به اخلاف و بد رفتاری نموده ؛ میخواهند با عریضه جوئی و داد و بیداد از انحراف شوهر خود جلو گیری نمایند ؛ و حال آنکه این تندی ها و عصبانیت ها علاوه بر اینکه مشکلی را حل نمیکند ، در موارد بسیاری سبب میشود که مرد گمراه در برابر این نوع عکس العمل هاشد بدآیستادگی کرده کم کم کار به شجره و کتک کاری و مرافعه و بالاخره بجهای باریک و باطلاق کشیده شود ، و گاه اتفاق می افتد که مرد در برابر این تند خوئیها فرار را برقرار ترجیح داده از خانه فراری شده در انحراف خود جسور تر و بیباکتر میگردد ، در حالی که همین زن باروش عاقلانه تری میتواند همسر خود را از انحراف بازدارد .

۳ - دسته سوم از زنانی هستند که در حال این مشکل تابع احساسات تند خود نشده با صبر و شکیبایی محرومیت ها و مشکلات را نادیده گرفته علاوه بر آنکه از وظایف اصلی و اساسی زن انحرافی نمی یابند بلکه بر میزان مهر و محبت بهمسر مجرم و گناهکار خود مینافزایند تا زمینه بازگشت و توبه او را فراهم آورند ، چه مرد هر قدر قسی و سنگدل باشد وقتی این

گذشت و فداکاری همسر خود را ببیند ، خواهی نخواهی بر محرومیت زن رحم آورده بسر انحراف و گمراهی خود اسف خواهد خورد ، اینجاست که مرد منحرف با اندک تربیتی که لامعاله از جانب روزگار در اثر رفتار و کردار ناپسندش متوجه او خواهد شد ، از راه رفته بشیمان شده ؛ بکاشانه بر مهر و معیت همسر خود باز گشت خواهد گرد .

قرآن مجید این گذشت و فداکاری زن را بنام «صلح» خوانده است ، خداوند میفرماید :  
وان امرأة خافت من بعلها نشوزاً او اعراضاً فلا جناح علیهما ان یصلحا بینهما  
صالحاً و الصلح خیر (۱) اگر زنی از بی میلی و سرگرانی شوهر خویش بیم دارد رواست که میان خویش سازشی کنند و سازش کردن خوب است . گرچه این آیه درباره مورد خاصی نازل شده ، و آن عبارت از این بوده : اگر مردی زن جوانی را تزویج کرده میخواسته همسر اولی خود را که طراوت جوانی را از دست داده بوده طلاق دهد ، یا او را مجبور سازد که از برخی حقوق خود صرف نظر نماید ؛ در چنین موردی پروردگار جهان دوام وثبات زناشویی را که قهراً مستلزم گذشت بوده برتر و بهتر دانسته است .

ولی از قرائن میتوان بخوبی نتیجه گیری کرد که زن جوانی که دارای فرزند میباشد اگر در مقابل همسر لایبالی و منحرفی قرار گرفته ؛ با گذشت و فداکاری بر ناگوارها صبر و تحمل نماید تا کانون خانوادگی از هم متلاشی نشده ، تربیت و پرورش کودکان اختلالی نیابد ؛ این فداکاری از نوعی که در شأن نزول آیه ذکر شده بالانرا و کامل تر میباشد ؛ چه محرومیت هر چه بیشتر باشد فداکاری و گذشت آن عالیترا و ارزنده تر خواهد بود .

### (۱) سوره نساء آیه (۱۲۸)

بعرض پیغمبر اکرم ( ص ) رسانند که فردی از حکمرانان در حوزة فرمانروایی خود هدیه ای قبول کرده است .

پس از تحقیق معلوم شد که این گزارش صحت دارد ؛ رسول اکرم ( ص ) سخت متأثر شد و حکمران نامبرده را به حضور خواست و فرمود : چرا چیزی که حق تو نیست آنرا میپذیری ؟  
گفت : هدیه بود یا رسول الله .

فرمود اگر در منزلت می نشستی و دارای این مقام نمیشدی آیا کسی بتو هدیه میداد ؛ ( منظور حضرتش در این جمله کوتاها این بود که این مال در حقیقت رشوه است و هدیه نیست ) .

دستور داد آن مال را بصاحبش بازگردانند و آن فرد را معزول کرد .

( نقل از کتاب صوت المدالة الانسانیة جلد ۱ ص ۱۵۵ )